

کارگاه دوم: اصول و مبانی تشکیل تعاونی آموزشی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها؛ فرآیند ثبت قانونی و حقوقی تعاونی و آشنایی با مراحل اجرایی و آشنایی با قوانین کار (قراردادها، بیمه، مالیات و...)

ساعت برگزاری: ۱۵ الی ۱۷:۳۰

تاریخ برگزاری: ۱۵/۱۰/۱۳۹۵

تسهیل‌گران:

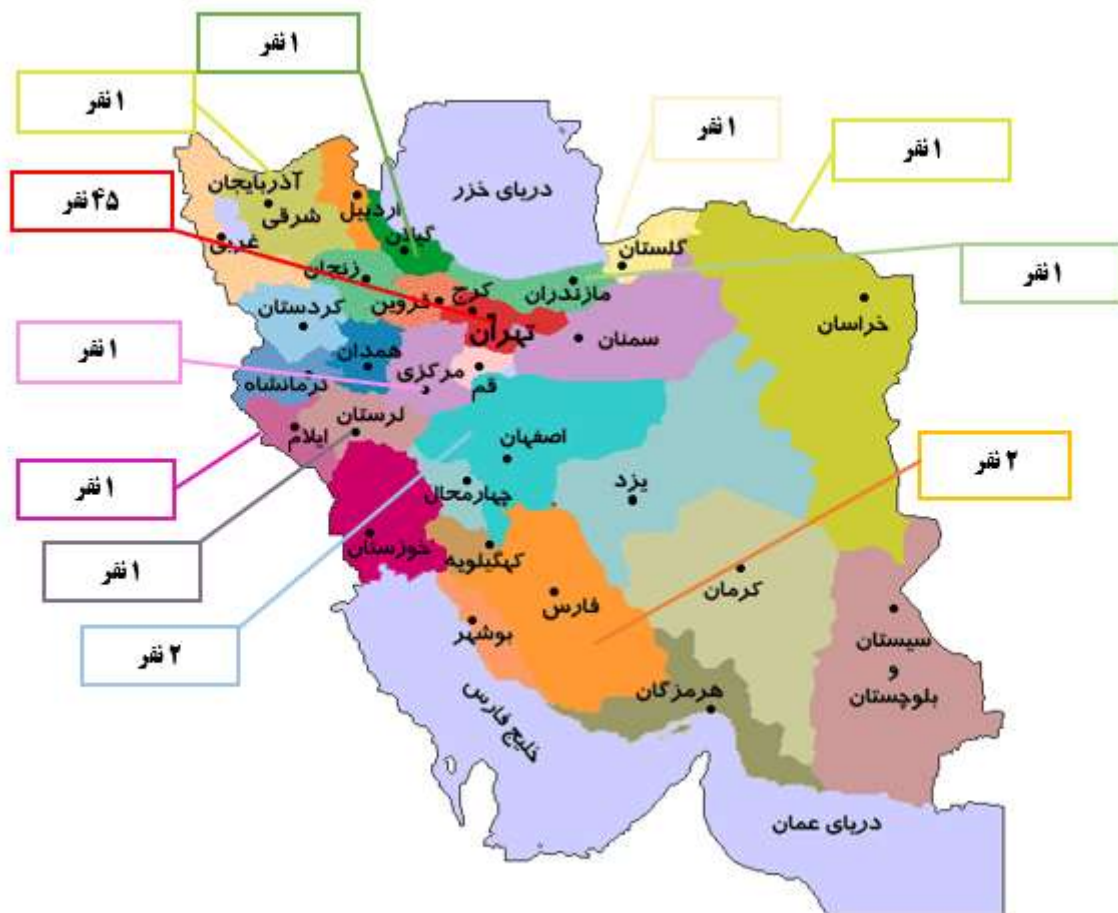
خانم آناهیتا اصلاح‌پذیر

آقای دکتر شفاهی

تعداد کل شرکت‌کنندگان در کارگاه دوم

۵۷ نفر

نقشه پراکندگی افراد شرکت‌کننده در کارگاه اول به تفکیک استان‌ها:



دبیر خانه دانشی توسعه تعاونی
برگزیر می کنند.

کارگاه

کارگاه اصول و مبانی تشکیل تعاونی آموزشی؛ فرصت
ها و چالش ها؛ فرآیند ثبت قانونی و حقوقی تعاونی و
آشنایی با مراحل اجرایی و آشنایی با قوانین کار
(قراردادها، بیمه، مالیات و ...)

هدف از برگزاری این کارگاه آشنایی مخاطبان با مفهوم تعاون، شکل
گیری نهضت تعاون در جهان و ایران، اصول و ارزش های تعاون، اهداف
و ضوابط کلی بخش تعاون و انواع شرکت های تعاونی، شرایط
عضویت در تعاونی، تعداد اعضا در انواع تعاونی ها، حقوق و تکالیف
عضو در تعاونی و لغو عضویت است.



تعاونی؛
کارگاه
آموزشی
اول

دبیر خانه توسعه تعاونی؛
مرکزی برای آموزش، مشاوره و باری گری در
حوزه مدرسه و تعاون.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۸۴۵۵

WWW.COOPSCHOOL.IR



مجتمع آموزشی راه رشد

نگاهی به مفهوم و تاریخ تعاون در جهان و ایران

تعاون یکی از جنبه های مهم زندگی اجتماعی است و از آغاز زندگی بشر برای
مقابله با خطرات طبیعی، تهاجمات جانوران وحشی و جنگ های قبیله ای
کاربرد داشته است. واژه تعاون در مفهوم عام به معنای همکاری، مساعدت،
یارگیری است. این مفهوم ترکیبی از خودیاری و کمک متقابل است که
گرایش آن در جهت بناگذاری ارزش های جهانی است.

اما تعاون در معنای خاص بنابه آنچه اتحادیه بین المللی تعاونی ها (ICA)
می گوید عبارت است از «اجتماعی مستقل از اشخاصی که به منظور تأمین
نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خود از طریق اداره و
تفکرات دموکراتیک موسسه ای با مالکیت جمعی، با همدیگر به نحو اختیاری
توافق نموده اند».

در قانون کشور تعریف روشن و مشخصی از تعاونی ارائه نگردیده است اما
قانون شرکت های تعاونی ایران مصوب سال ۱۳۵۰ این شرکت ها را اینگونه
معرفی کرده است:

«شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع
نیازمندی های مشترک و بهبود اقتصادی و اجتماعی شرکت کار از طریق خودیاری و
کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس انداز موافق اصولی که در قانون
مطرح است، تشکیل می شود» (ماده یک قانون شرکت های تعاونی ایران)

تعاون به معنای امروزی آن تاریخی ۱۵۰ ساله دارد نخستین شرکت تعاونی
جهان با نام «شرکت متفان راجدیل» در سال ۱۸۴۴ میلادی به هست ۲۸
کارگر بافنده (۳۷ مرد و ۱ زن) و با سرمایه اندک ۲۸ لیر، در شهر راجدیل
ایالات لاکسار انگلستان تأسیس شد.

مردمان ایران زمین نیز برای فائق آمدن بر مشکلات اقلیتی خود ناگزیر به
همکاری و مشارکت برای انجام امور زندگی خود بوده اند. حفر قنات طولانی،
نظام دامداری مبتنی بر چرای دام، کاشت و برداشت محصولات کشاورزی و ...

نمونه ای از این اقدامات است. بنابر این تعاون و همکاری برای رسیدن به هدف
مشترک بخشی از فرهنگ و تمدن ایرانیان بوده است اما آغاز تعاون به معنای
رسمی آن با تصویب قانون تجارت در سال های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ آغاز گردید.

اولین شرکت در سال ۱۳۱۴ توسط اداره فلاحات در شهرستان گرمسار تشکیل
شد و تا سال ۱۳۳۰ تنها دو تعاونی در ایران پا گرفت. اولین قانون مستقل برای
شرکت های تعاونی در سال ۱۳۳۴ بر اساس لایحه ای از سوی محمد مصدق به
تصویب رسید. بعد از انقلاب موضوع تعاونی ها در اصول ۴۴ و ۴۳ قانون اساسی

بار دیگر مطرح شد. در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون به عنوان دومین
بخش اقتصاد کشور در کنار بخش های دولتی و خصوصی معرفی شد و مطابق
اصل ۴۳ تأمین شرایط و امکانات کار به منظور رسیدن به اشتغال کامل در
شکل تعاونی جز، ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعیین شده است.



تعاونی تشکلی ارادی و اختیاری است که هیچ لزوم و اجباری از ناحیه دولت، احزاب و تشکل های مذهبی و سیاسی بر آن ها اعمال نمی شود. در واقع اولین اصل تعاونی این گونه به وجود آمد و این اصل تأکید می کند که تشکیل یک تعاونی کاملاً آزاد، ارادی و اختیاری است.

در مرحله بعد تشکیل دهندگان تعاونی برای ادامه کار خود به قواعد و اصول نیاز دارند. پس اصل دوم با عنوان نظارت و کنترل دموکراتیک شکل می گیرد. به این معنا که داوطلبان تشکیل تعاونی خودشان باید بر اداره کار نظارت داشته باشند. بنابراین اعضا که همان صاحبان سهام نیز هستند افرادی را به عنوان هیئت مدیره انتخاب می کنند تا بر اساس اصول و ضوابط تعیین شده به اداره تعاونی بپردازند.

خانم اصلاح پذیر: این روند در شرکت های خصوصی هم دیده می شود. شیوه انتخاب هیئت مدیره در شرکت تعاونی چه تفاوتی با شرکت های خصوصی دارد؟

شیوه انتخاب فرقی ندارد اما نحوه مدیریت و اعمال رأی متفاوت است. در شرکت های سهامی هر دارنده به تعداد سهام خود حق رأی دارد اما در شرکت تعاونی حقوق اعضا با هم برابر است و هر فرد تنها یک حق رأی دارد. در شرکت های خصوصی اعضای دارای سهم بیشتر تأثیر بیشتری نیز بر روند امور و انتخاب ها دارند؛ اما تعاونی یک کنترل دموکراتیک است که در آن همه اعضا با وجود تفاوت در میزان سرمایه می بایست از نظر اراده شخصی در یک موقعیت یکسان باشند.

به طور کلی سرمایه در شرکت های تعاونی تعیین کننده نیست بلکه انسان، تفکر و تصمیم سازی اوست که تأثیرگذار است و ارزش تعاونی نیز از همین مسأله نشأت می گیرد؛ بنابراین همان طور که در قانون کشور ما نیز تصریح شده است تمامی اعضای تعاونی صرف نظر از میزان سهام شان فقط دارای یک حق رأی هستند و باید به صیانت از این حق آگاه باشند. به این دلیل که انسان محور تعاونی است نه سرمایه و منافع اقتصادی، پس در تصمیم گیری ها باید نظارت و توجه دقیق صورت پذیرد تا کنترل دموکراتیک و نظارت جمعی معنی کامل خود را پیدا کند که این ها عناصر جوهری یک شرکت تعاونی هستند.

حال ممکن است این سؤال پیش آید که پس سرمایه و سودی در میان نیست؟ که در پاسخ باید بگوییم این طور نیست. اصل سوم تصریح می کند که اعضای تعاونی باید مشارکت اقتصادی داشته باشند. به این معنا که در تأمین سرمایه مداخله و مشارکت کنند. از طرفی سهم اعضا در سرمایه گذاری برابر است مگر اینکه مجمع شرط دیگری برای تعاونی خود ایجاد کند. بنابراین سود مورد انتظار نیز در تعاونی وجود دارد اما این سود جنبه ذاتی ندارد. یعنی این طور نیست که تعاونی به خاطر تأمین سود شکل گیرد. چون همان طور که گفتیم عنصر محوری

تعاونی در این است که این تشکل ایجاد می‌شود تا عده‌ای در سایه مشارکت جمعی و حس تعاون نیاز مشترکی را رفع کنند و این افراد اهداف آرمانی را دنبال می‌کنند که ممکن است اجتماعی یا اقتصادی و بهبود هر دو این‌ها باشد.

ما اکنون تعاونی‌هایی داریم که اعضای آن را پزشکان تشکیل می‌دهند. این افراد به سبب رتبه و جایگاه در موقعیت بالایی قرار دارند بنابراین هیچ‌گاه برای تأمین نیازهای اولیه اقدام به تشکیل تعاونی نمی‌کنند بنابراین این افراد بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی و شغلی مد نظرشان خواهد بود. در جمع‌بندی اصل سوم باید گفت که در تعاونی به مسئله اقتصادی هم توجه شده اما این موضوع پررنگ نیست و سود افراد در تعاونی محدود است و حتی از آن به‌عنوان سود یاد نمی‌کنند بلکه به آن مازاد برگشتی یا درآمد مازاد می‌گویند. تعاونی‌ها باید به قیمت تمام شده کالاها و خدمات خود را ارائه دهند پس زمانی که شما صورت‌ها و بیلان کاری تعاونی را بررسی می‌کنید متوجه می‌شوید هزینه‌ها و درآمدها با هم تراز هستند و چیزی به‌عنوان مازاد درآمد در حساب تعاونی نباید دیده شود. این بحث منبعث از همان فعالیت‌های اولیه تعاونی راچدیل است که اعضای تعاونی باید نیاز خود را از طریق تعاونی برطرف سازند. بنابراین هرچه اعضا بیشتر نیاز خود را از طریق تعاونی تأمین کنند سهم معاملات آن‌ها افزایش می‌یابد و درآمد مازاد از افزایش معاملات حاصل می‌شود. در انتهای سال مالی این مازاد به نسبت معاملات عضو با شرکت تحت عنوان مازاد برگشتی به وی بازمی‌گردد. البته باید توجه داشت که این بحث بیشتر در تعاونی‌های مصرف مطرح است. در قانون سال ۱۳۳۲ که اولین قانونی بود که در آن به طور مشخص به تعاونی پرداخته شد نیز بحث مازاد برگشتی مطرح شد.

از آنجا که اصول تعاونی مبتنی بر اندیشه و علم است و این‌طور نیست که اصول یک روز شکل گرفته باشد پس رعایت آن بسیار مهم است.

یاریگری، شفافیت، همیاری، همکاری، مسئولیت‌پذیری، پابندی و وفاداری همگی ارزش‌های تعاونی هستند که در بیانیه ۱۹۹۵ صادر و ابلاغ شد و اصولی ما امروز درباره آن صحبت می‌کنیم بر پایه آن‌ها شکل گرفته‌اند.

مقوله ارزش در قرن حاضر بسیار مورد بحث قرار گرفته و حتی به یکی از شاخه‌های فلسفه بدل شده است. تا قبل از این ارزش‌ها را در حوزه‌های تخصصی می‌دیدند مثلاً می‌گفتند ارزش‌های اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و... اما اکنون فیلسوفان ارزش، نظریه ارزش، فلسفه ارزش را به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فلسفه در نظر می‌گیرند. حال شما این ارزش‌ها را در تعاونی هم می‌بینید. برخی از دانشگاهیان معتقدند که حقوق به‌مثابه ارزش است و نه آنچه در قوانین موضوعه تصویب می‌شود. حقوق‌دانان یک تفسیر فراقانونی از ارزش‌های حقوقی می‌کنند مثلاً می‌گویند که انسان‌ها می‌بایست به قراردادهایشان احترام بگذارند و آن را انجام دهند و این یک ارزش است. یا اگر کسی به کسی خسارت زد باید آن را جبران کند و این یک ارزش است.

همین مقوله تعاون در اصل ۴۳ قانون اساسی و ماده یک قانون تعاون که اهداف بخش تعاونی را بیان می‌کند یکی از پشتوانه‌های آن بحث تحقق عدالت اجتماعی، جلوگیری از احتکار و اضرار عمومی است که همه این‌ها جزء ارزش‌ها هستند. پس ما باید به مقوله تعاونی فراتر از یک قاعده و اصل بلکه به‌عنوان یک ارزش به آن نگاه کنیم.

سؤال: در خصوص تعاونی و مزیت شرکت تعاونی نسبت به سایر شرکت‌ها بحث‌های زیادی می‌شود. در عمل، آن مزیت‌ها را ما حس نمی‌کنیم. مثلاً در بحث پرداخت مالیات، تعاونی با شرکت‌های خصوصی پردرآمد تفاوتی ندارند. وقتی می‌گویند تعاونی تولیدی-توزیعی، موضوع فعالیت آن بسیار گسترده می‌شود. آیا یک تعاونی می‌تواند آن‌قدر بزرگ شود که مجموعه این فعالیت‌های متنوع را در یک ساختمان برای خودش ایجاد کند؟

سؤال بسیار مهمی است که به تقسیم تعاونی‌ها از جهت موضوع فعالیت مربوط می‌شود. مثلاً در قانون تجارت دو نوع تعاونی تولید و مصرف داریم. در قانون تعاونی مصوب سال ۵۰ تعاونی‌ها به سه رشته اصلی کشاورزی، مصرف و کارپیشه تقسیم می‌شوند و هر کدام به شاخه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند.

در ماده ۲۶ قانون، تعاونی‌ها سه دسته می‌شوند: تعاونی‌هایی که کارشان تولید است و نباید خدماتشان را فقط به اعضا ارائه دهند، تعاونی توزیع و تعاونی توزیعی-تولیدی که به آن‌ها تعاونی چندمنظوره نیز می‌گویند. اگر تعاونی توزیعی در چارچوب همان تعاونی تولیدی عمل کند آن را به‌عنوان تعاونی تولیدی می‌شناسیم. مثلاً اگر یک تعاونی محصولات غذایی تولید کند اما برای محصولاتش کارگاه بسته‌بندی هم داشته باشد و برای محصولاتش بازاریابی کند، به آن نمی‌گوییم تعاونی تولیدی-توزیعی؛ این یک تعاونی تولیدی است که فعالیت جنبی هم دارد؛ اما زمانی که یک تعاونی چند نوع فعالیت مختلف مصرف و تولید داشته باشد چندمنظوره می‌شود.

شرکت‌های تعاونی می‌توانند فقط در چارچوب موضوع مطرح شده در اساسنامه خود و در محدوده جغرافیایی که آن هم در اساسنامه شرکت آمده است فعالیت داشته باشد. اگر از این محدوده و موضوع خارج شوند کارشان دارای صلاحیت و اهلیت نیست و ایراد دارد.

اصل بعدی استقلال است به این معنا که تعاونی‌ها به هیچ گروه و دسته و حزبی وابسته نیستند و اساساً موفقیت تعاونی‌ها در طول تاریخ به دلیل عدم مداخله آن‌ها در جریان‌های سیاسی بوده است. وقتی شما وارد بحث‌ها و جریان‌های سیاسی می‌شوید و مجبورید که به یک گروه و دسته خاصی توجه ویژه داشته باشید قطعاً این طی درازمدت بر مسائل اقتصادی تعاونی اثر خواهد گذاشت و تعاونی را از اصول اولیه خود که مشارکت اجتماعی است و باید روح همبستگی اجتماعی و اقتصادی در رگ و پی این پیکره جریان داشته باشد، دور می‌کند و از بین می‌برد. بنابراین استقلال تشکلهای تعاونی یکی از اصول بسیار مهم است.

تعاونی‌ها به دولت نیز وابستگی ندارند و دولت هیچ‌گونه مداخله‌ای در امور تعاونی نباید داشته باشد. در ماده ۸ قانون بخش تعاون می‌بینیم که عضو در تعاونی کسی است که به اهداف تعاونی ملتزم شود و غیردولتی باشد. یعنی افراد و تشکلهای و مؤسسات دولتی نمی‌توانند به‌عنوان عضو تعاونی شناخته شوند و فقط می‌توانند در تأمین بخشی از سرمایه شرکت دخیل شوند؛ اما نمی‌توانند حقوقی مثل حقوق اعضای تعاونی داشته باشند. البته این به معنای حمایت نکردن دولت از تعاونی‌ها نیست. در قانون، نکاتی در خصوص حمایت و هدایت و نظارت دولت آمده است. در ماده ۶۶ تعاونی ۳۰ وظیفه نظارتی و حمایتی برای دولت در نظر گرفته شده است؛ اما این به‌معنای مداخله دولت نیست. یکی از اشکالات عمده ما در تعاونی و موانع توسعه آن همین مداخله دولت است که طی آن، نظارت بدل به دخالت می‌شود و تعاونی را دچار اختلاف می‌کند.

اساس تعاونی بر اجتماع است. اجتماعی از افراد که باید باهم یکدست باشند؛ نیاز مشترک و اهداف مشترک داشته باشند که آن‌ها را به هم پیوند دهد و اختلاف و تشتت نظر با این هدف ناسازگار است. هر جا که اشتراک مساعی به اختلاف تبدیل شود همان‌جا نقطه فاصله گرفتن تعاونی از اهدافش است و آنجا باید بگویم سرنوشت این تعاونی انحلال است. پس نقش دولت باید حمایتی و نظارتی و در جهت توسعه مشارکت و ترویج تفکر تعاونی باشد.

عنصر و اصل پنجم، اصل آموزش و ترویج تعاونی‌ها است. تعاونی تشکلی است که باید با دانش و ابزار روز آشنا شود و این مستلزم داشتن اطلاعات و دانش کافی است و طبیعتاً بهترین روش کسب دانش روز، آموزش، چه حضوری چه غیرحضوری است.

در تمامی بنگاه‌های اقتصادی بنیادی به نام **Research and development** وجود دارد که همان تحقیق و توسعه است. درست است که همه باید فکر کنند اما یک واحد به‌خصوص برای فکر و تحقیق راجع به کار تعاونی و بررسی و آسیب‌شناسی تعاونی ضروری دانسته شده است. همیشه باید مطالعات و آسیب‌شناسی‌ها بر مبنای علمی استوار باشد و اطلاعات حاصل از آن به رشد و توسعه تعاونی و رفع موانع پیش رو منجر شود.

حال باید پرسید که آیا تعاونی‌هایی که شکل گرفته‌اند نباید بین خودشان اتحاد و یکپارچگی داشته باشند؟ در اینجا اصل ششم با عنوان همکاری میان تعاونی‌ها مطرح می‌شود. تعاونی‌ها در سطح اول شکل می‌گیرند و از اجتماع آن‌ها تعاونی‌ها سطح دوم که همان اتحادیه‌ها هستند شکل می‌گیرند. اتحادیه‌های تعاونی، سطح سوم را می‌سازند و تبدیل به اتحادیه‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و... می‌شوند و تشکلهای دیگری به وجود می‌آیند که از آن‌ها حمایت کنند و وابسته به دولت هم نباشند مثل اتاق‌های تعاون. البته اتاق‌های تعاون تشکلهای هستند که خدمات حقوقی، فنی، مهندسی و... اعضا را فراهم می‌کنند اما با اصول تعاون شکل نگرفته‌اند. بحث حل اختلافات تعاونی نیز موضوعی است که در اتاق‌های تعاون به آن پرداخته می‌شود و در اساسنامه تعاونی‌ها به این نقش، اشاره شده است. بنابراین باید بین تشکلهای تعاونی نیز تعاون وجود داشته باشد. در قانون تعاون هم تعاونی‌ها در نظر گرفته شده‌اند و هم اتحادیه‌ها که برای هر کدام وظایف و اختیارات متفاوت و جداگانه‌ای نوشته شده که در قانون سال ۵۰ هم این تقسیم‌بندی لحاظ شده است. بنابراین اصل ششم می‌گوید که تعاونی‌ها برای پایداری و توسعه باید میان خودشان تعاون را رعایت کنند.

آخرین اصل که شایبیت اصول تعاونی است به برطرف کردن مشکلی از مشکلات جامعه اشاره دارد. تعاونی‌ها باید برای جامعه نگران باشند؛ باید دغدغه اجتماعی داشته باشند. تعاونی از دل جامعه شکل گرفته پس نمی‌تواند نسبت به جامعه بی‌تفاوت باشد. حتماً باید به جامعه و مشکلات آن توجه کند. متأسفانه تعاونی‌های ما به این اصل مهم هیچ توجهی نمی‌کنند. تعاونی یک جامعه کوچک در دل یک جامعه بزرگ است که برای رفع مشکل اعضایش و بر پایه اصول و ارزش‌های مشخصی تشکیل شده است.

تعاون در جامعه ما باید شکل بگیرد. طبق کتاب قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو آنچه اعضای یک جامعه را به صورت نامرئی به هم پیوند می دهد همان قرارداد اجتماعی است که به فکر هم و نگران هم باشند.

این ارزش ها در دین ما و بسیاری دیگر از ادیان نیز تأکید شده است. در آیین زرتشت دو نیروی خیر و شر مطرح شده است که اولی از اهورامزدا و دومی از اهریمن نشأت می گیرد. سپس تأکید می شود که برای انجام کار خیر باید کنار هم و دست در دست هم باشیم. در مقابل نیز عدوان و دشمنی و شر وجود دارد و ما باید به سمت خیر برویم تا به شر مبتلا نشویم.

در قرآن نیز مستقیماً آمده است که «تعاونوا علی البر و التقوا و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان». در این آیه «بر» به معنای نیکی دارای مفهوم بسیار وسیعی است. «تقوا» هم به معنای پرهیز است. این آیه این مفاهیم را القا می کند که همدیگر را به خوبی دعوت کنید و گناه نکنید و به حقوق هم تجاوز نکنید. این اندیشه ها یعنی باید نگران جامعه باشیم.

ما تعاونی می خواهیم که به فکر جامعه باشد. در شرکت تعاونی مدیر، سهام دار و مشتری یکسان هستند و این پیام اتحاد و همبستگی و نوع دوستی در خود دارد. پیام دیگر این است که باید به فکر جامعه باشیم. اینکه این موضوع به یک اصل جهانی تبدیل می شود به دلیل مبتنی بودن آن بر یک ارزش متعالی است. ارزش ها را باید شناخت و در تعاونی پیاده کرد.

ما نباید به دولت و دولتمردان کار داشته باشیم بلکه باید به نیازهای خودمان نگاه کنیم و اعتقادمان به ارزش ها را تقویت کنیم. من در دوران خدمت اختلافت زیادی را بررسی کرده ام که ریشه اکثر آن ها نبودن ارزش ها، صداقت، دوستی و ... است.

الآن در اروپا اصولی با عنوان اصول راهبری شرکتی تدوین شده است که مسائلی را مطرح می کند که به نظر خیلی ها اولیه است؛ اما اصلاً این طور نیست. آن ها وقتی مشکلات شرکت های بزرگ خودشان را بررسی کردند متوجه شدند که خیلی از ارزش های ابتدایی در شرکت ها رعایت نمی شود که از جمله می توان به درستکاری، شفافیت، و ... اشاره کرد. بنابراین همین موارد را به اصول راهبری شرکتی بدل کردند. الآن بعضی از شرکت های ما نیز این اصول را تدوین کرده اند و می خواهند رعایت کنند. چه بخواهیم چه نخواهیم باید به سمت معنویت بازگردیم. تمام بحران های امروز دنیا در نتیجه بی توجهی به معنا و معنویت و ارزش های انسانی و اسلامی است. بشریت گرفتار این مسائل است. برای احیای این معنویت، تشکل تعاونی باید پیش قدم شود.

سؤال یکی از حاضران در کارگاه: برخی تعاونی ها پس از مدتی غیرفعال می شوند و چندین میلیارد سرمایه را بدون سرپرست و راکد باقی می گذارند. در چنین شرایط راه حل برون رفت از مشکل چیست؟

درخصوص جلوگیری از غیرفعال شدن تعاونی ها راهکارهایی در قانون پیش بینی شده است. ماده ۵۴ می گوید اگر یک تعاونی بدون هیچ توجیه منطقی بیش از یک سال بدون فعالیت باشد، آن تعاونی در جهت انحلال است.

ما تعاونی پویا و فعال می خواهیم. باید جلوی شکل گیری تعاونی غیرفعال و غیرفعال شدن تعاونی ها گرفته شود. تعاونی های ما متأسفانه آموزش نمی بینند و هیئت مدیره برخی از تعاونی ها از اطلاعات کافی و لازمی برخوردار نیستند. اینجا آموزش، نقش تعیین کننده ای ایفا می کند که متأسفانه آن را جدی نمی گیریم. باید اهمیت آموزش در تعاونی ها گوشزد شود. در قانون گفته شده است که در صورت غیرفعال شدن تعاونی باید مجمع تصمیم به انحلال بگیرد. همان طور که روزی تعاونی با اتحاد شکل گرفت باید با اتحاد و همبستگی نیز به کار خود پایان دهد و همگی اعضا رأی به انحلال دهند.

نظر یکی از حاضران در کارگاه: در چنین شرایطی ابتدا هیئت مدیره باید اطلاعیه ای به مجمع عمومی مبنی بر تداوم یا انحلال کار صادر کند. اگر رأی بر انحلال بود باید هیئت تسویه تشکیل شود تا به نمایندگی از همه اعضا به امر حسابرسی و فروش اموال پردازند. سپس کل سرمایه را در یک حساب تجميع می کنند و بعد کارهای دیگر صورت می گیرد. حالا اگر همه اعضا همکاری نکردند فقط کافی است چند نفر یک نامه بنویسند به اداره تعاون استان و سپس دولت اقدام به برگزاری مجمع خواهد کرد.

بله، همان طور که ایشان نیز به درستی گفتند رکن تصمیم گیری در چنین شرایطی مجمع فوق العاده است که باید تصمیم به انحلال بگیرد؛ در غیر این صورت، باید وزارت تعاون مداخله کند. قانون برای وزارت تعاون اختیاراتی در نظر گرفته است که یکی از مواردش همین است.

به علاوه، برای تشخیص تعاونی غیرفعال نیز ملاک‌هایی در نظر گرفته شده است و این‌طور نیست که بدون ملاک و ضابطه روشنی به یک تعاونی برچسب غیرفعال زده شود.

بنابراین مجمع فوق‌العاده باید تصمیم بگیرد؛ در غیر این‌صورت، وزارت تعاون وارد عمل می‌شود. وقتی تصمیم بر انحلال گرفته شد هیئت تسویه تشکیل می‌شود. این هیئت اموال و دارایی‌های شرکت را محاسبه و مطالبات را معین می‌کند. دیون را پرداخت و اموال و دارایی‌ها را وصول می‌کند و در صورت داشتن بدهی آن‌ها را پرداخت می‌کند و به این ترتیب، دوران تسویه تعاونی شروع می‌شود و تا زمانی که این پروسه پایان نیابد شرکت، منحل و در حال تسویه نامیده می‌شود.

مشکل مهم در چنین شرایطی اینجاست که اعضای تعاونی خودشان انحلال را انجام نمی‌دهند و وزارت تعاون هم برای مداخله احتیاط می‌کند چون بحث اموال و دارایی‌های مردم است و به راحتی نمی‌توان درباره آن‌ها تصمیم گرفت؛ مثلاً یک تعاونی با سوله و مقدار زیادی کالا رها شده است. حال، من به عنوان یک مدیر دولتی نمی‌توانم به راحتی تصمیم به انحلال و فروش اموال بگیرم. چگونه اعضا را شناسایی کنم؟ به هر حال اختیارات وزارت تعاون محدود و در چارچوب قانون است و به همین دلیل در چنین مواردی از مداخله مستقیم، خودداری می‌کند.

مثلاً در مسئله تعاونی مالی - اعتباری ثامن چون مسائل زیادی به وجود آمد وزارت تعاون و بانک مرکزی وارد عمل شدند.

در شرایط انحلال نیز افرادی امین برای هیئت تسویه باید انتخاب شوند. بحث اسناد و مطالبات، یک فرآیند حقوقی بسیار پیچیده و طولانی است. ما تعاونی غیرفعال نداریم و این وضعیت شناخته شده‌ای برای تعاونی‌ها نیست. تعاونی یا باید ادامه حیات دهد یا منحل شود.

آنهایتا اصلاح‌پذیر: به هر حال چون مسئله ما ترویج است بهتر است از بحث انحلال گذر کنیم و چون بحث ما تمرکز بر مدرسه تعاونی است و می‌خواهیم یک مبحث جدید را در حوزه آموزش و تعاونی باز کنیم که می‌تواند امیدبخش باشد. از طرفی چون سازندگان چنین تعاونی‌هایی معلم‌ها هستند بنابراین تصمیم‌گیری‌ها فرهنگی‌تر است و بیشتر از جنس ارزش‌های تعاونی است. بنابراین امیدواریم اختلاف‌ها هم کمتر باشد و به داستان‌های انحلال کشیده نشود.

فکر می‌کنم دوستان تمایل دارند در خصوص تعاونی آموزشی اطلاعاتی کسب کنند.

یکی از حاضران در کارگاه: درباره تشکیل تعاونی‌های دانش‌آموزی توضیح دهید.

آنهایتا اصلاح‌پذیر: ما یک اشکال جدی در این خصوص داریم؛ اینکه دانش‌آموزان چون به سن قانونی رسیده‌اند در بحث خرید سهام نمی‌توانند وارد این حوزه شوند. این مسئله را قانون‌گذار چگونه دیده است و چطور می‌تواند به حل این مسأله کمک کند و بحث سهام دانش‌آموزی را چطور می‌توان حل کرد؟

تعاونی آموزشی، آموزشی یا دانش‌آموزی از مهم‌ترین تعاونی‌ها است. در یک یا چند قانون به این تعاونی‌ها اشاره شده است؛ اما تعاونی آموزشی در واقع تمرینی است برای آموزش تعاونی و تمرین دانش‌آموزان تا کار در قالب تعاونی را بیاموزند و فکر تعاونی در وجودشان نهادینه شود و ببینند که می‌توانند مدرسه را به شکل تعاونی به خوبی اداره کنند. نمونه‌های بسیار زیادی در تاریخ تعاونی‌های آموزشی داشته‌ایم که برای تحقیق و بررسی بسیار مفید هستند تا شما نیز دریابید علل توفیق آن‌ها به رغم ثبت نشدن از لحاظ قانونی، چه بوده است.

این تشکلهای بیشتر ثبت داخلی وزارت تعاون هستند چراکه بحث عدم اهلیت و صلاحیت دانش‌آموزان در امور مالی مطرح است. ما در چنین تعاونی‌هایی می‌خواهیم دانش‌آموزان یاد بگیرند در کنار هم با عشق و اعتماد کار کنند.

آنهایتا اصلاح‌پذیر: در کارگاه قبلی درباره ویژگی‌های کار مشارکتی صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که ما در تعاونی باید یک نیاز جمعی را پاسخ دهیم یا به عبارتی منافع جمعی را تأمین کنیم. مثلاً الان بوفه مدرسه توسط یک فرد اداره می‌شود با هدف تأمین تغذیه دانش‌آموزان در زنگ تفریح؛ حال اگر ما بوفه را تنها با همین هدف به دانش‌آموزان واگذار کنیم به اهداف بیشتری دست نیافته‌ایم و اگر هدف جدیدی برای مشارکت تعیین نگردد جذابیت کار برای دانش‌آموزان از دست رفته است. حال ما می‌خواهیم بدانیم اگر هدف اقتصادی نباشد آن مبنای

هدف مشترک برای رفع نیاز را چگونه باید طراحی کنیم؟ به هر حال با شور و شوق می‌توان کار را شروع کرد اما تداوم یک کار سؤال ماست. آن هم در نسلی که بسیار با هزینه- فایده درگیر است. چطور می‌شود علاوه بر ترویج و تمرین کار مشارکتی استمرار هم به‌وجود آید و منافع تعاونی برای دانش‌آموزان قابل‌ملاحظه باشد.

مدرس کارگاه: در تعاونی آموزشی ما نمی‌توانیم نقطه مطلوب فعالیت را اقتصادی تعریف کنیم. چون خود این بچه‌ها اهلیت مالی لازم را ندارند نمی‌توانند وارد یک فعالیت اقتصادی شوند. در قانون سال ۷۰ درخصوص تعاونی‌های آموزشی هیچ حکمی نیامده است هرچه هست مربوط به قانون سال ۵۰ است. در مواردی که قانون سال ۷۰ سکوت کرده می‌توانیم به قانون سال ۵۰ رجوع کنیم.

فصل چهارم قانون شرکت‌های تعاونی تحت‌عنوان قانون شرکت‌های تعاونی آموزشی به این موضوعات می‌پردازد. در ماده ۸۸ آمده است که شرکت تعاونی آموزشی شرکتی است که با عضویت دانش‌آموزان یا دانشجویان مراکز آموزشی به‌منظور آموزش عملی مقررات شرکت‌های تعاونی و تأمین اصول تعاونی برای مقاصد ذکرشده تأسیس شود. سپس تأکید می‌کند که تعاونی دانش‌آموزان با هدایت و حمایت از دانش‌آموزان شکل بگیرد.

تبصره یک می‌گوید: آیین‌نامه شرکت‌های تعاونی آموزشی توسط وزارت آموزش و پرورش تنظیم پس از تأیید شورای عالی هماهنگی به اجرا گذاشته می‌شود. ثبت و تغییرات اساسنامه آن‌ها از شمول این مقررات مستثنی است.

یکی از حاضران: متولی تعاونی دانش‌آموزی وزارت آموزش و پرورش است که غالباً هم دنبال سود نیستند اما در این کارگاه، تعاونی آموزشی که در قالب مدارس غیرانتفاعی شکل گرفته است، مد نظر است.

آنهایتا اصلاح‌پذیر: الآن بحث ما تعاونی آموزشی نیست بلکه ما این جلسات را برای ترویج تعاون در آموزش یعنی مدارس غیردولتی که می‌خواهند به شکل تعاونی اداره شوند، در نظر گرفته‌ایم. دو بحث در ارتباط با مدارس تعاونی مطرح است: یکی اینکه افرادی با دغدغه مشترک دور هم جمع می‌شوند. این دغدغه ابتدا اجتماعی و سپس اقتصادی و برای رفع نیاز آن جمع است. سرمایه‌های خرد به یک سرمایه کلان تبدیل می‌شود، مقدماتی را فراهم می‌کنند و تعاونی خود را ثبت و هم‌زمان مجوزهای مرتبط را از ارگان‌های ذی‌ربط می‌گیرند. مثلاً برای تأسیس مهدکودک ابتدا شرکت تعاونی خود را ثبت می‌کنند و سپس با مراجعه به بهزیستی مهدکودک خود را تأسیس می‌کنند. اما روش دوم منوط به تفاهم‌نامه میان وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون است. طبق این تفاهم‌نامه دولت موظف است در صورت سپردن مدرسه به بخش خصوصی اولویت را به تعاونی‌ها اختصاص دهد. این مسئله یک بار در حوزه خرید خدمت مطرح شد که از بخش خصوصی خرید خدمت انجام دهند و مدارس دولتی را برای اداره به بخش خصوصی بسپارند. در تفاهم‌نامه تصریح می‌کند که تصدی‌گری و مدیریت را اگر قرار است واگذار کنیم تعاونی‌ها در این واگذاری اولویت داشته باشند.

این موضوع ما در همایش هم بود و دغدغه اصلی اتحادیه هم همین است که مطالبات تعاونی‌ها را تا جایی که می‌تواند از دولت و از طریق تفاهم‌نامه محقق سازد. این بحث بسیار پیچیده و سختی است. از طرفی تفاهم‌نامه ضمانت اجرایی و قانونی ندارد و باید تبدیل به قانون شود. بنابراین این تفاهم‌نامه که فی‌مابین دو وزیر تنظیم شده است چیزی نیست که با آن بتوان به وزارت آموزش و پرورش مراجعه و خواسته‌ای را مطالبه کرد. تفاهم‌نامه به مجموعه‌ای مقدمات قانونی نیاز دارد. پیشنهاد خود من این است که اگر قرار است دوستان تعاونی تشکیل دهند اصلاً به تسهیلات تعاونی فکر نکنند که مثلاً مالیات کمتر بپردازند و فقط به خاطر نفس کار مشارکتی وارد عمل شوند.

در اینجا دو سؤال بسیار مهم مطرح می‌شود: اگر بخواهیم تعاونی را با سرمایه مردمی تشکیل دهیم چه باید کرد؟ و اگر از موضوعات تفاهم‌نامه بخواهیم استفاده کنیم چه شرایطی وجود دارد؟

نیازی نیست که ما به دولت متکی باشیم. ما به دنبال تشکیلی هستیم که خودگردان و متکی به‌خود باشد و به‌لحاظ مالی نیز به سرمایه‌های خرد معلمان، مربیان و اولیا بسنده کند. تفاهم‌نامه‌ها هم وقتی لازم‌الاجرا می‌شود که در چارچوب مقررات بیایند. در بحث واگذاری هم باید بررسی شود تعاونی این توان را دارد که یک مجموعه را بهتر از دولت و با بهره‌وری بیشتر اداره کند یا نه؟ این نگرانی مهمی است که اگر رفع شود دولت آن را انجام می‌دهد. تفاهم‌نامه، تنها سازنده یک بستر مناسب است. در خصوص واگذاری‌ها قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ متذکر می‌شود که راه برای واگذاری فعالیت‌های دولت به بخش خصوصی باز است. ما باید این فعالیت‌ها را شناسایی کنیم و این در چارچوب یک تفاهم‌نامه با زمینه قانونی شدنی است.

در اتحادیه نیز باید انتظارت از آموزش و پرورش به صورت واضح و صریح نوشته و ظرفیت‌های قانونی موجود در نظر گرفته شود. باید هرچه زودتر کار را شروع و به تأسیس تعاونی مبادرت ورزیم. این ایده بسیار خوب مدرسه تعاونی باید به یک نهضت و تفکر عمیق تبدیل شود.

متأسفانه فرآیند ثبت تعاونی‌ها به لحاظ بروکراتیک بسیار زمان‌بر است. ابتدا شما ایده خودتان را مطرح و بانیان و علاقه‌مندان را دور هم جمع می‌کنید. سپس اقدامات اجرایی که مهم‌ترین آن نگارش طرح توجیهی است صورت می‌گیرد.

آنهایتا اصلاح‌پذیر: من در اینجا اعلام می‌کنم که اتحادیه در تأسیس شرکت‌های تعاونی در کنار دوستان است و در تمامی زمینه‌ها راهنمایی‌های لازم را در فرایند دوماهه ثبت تعاونی، به تعاون‌گران معلم ارائه خواهد کرد.

مدرس کارگاه: من هم قول می‌دهم که در همه زمینه‌ها همراه و یاور دوستان متقاضی باشم.

اکنون، در ادامه باید بگوییم در مرحله بعد، اولین مجمع عمومی را تشکیل می‌دهید. تعاونی حداقل با ۷ عضو تشکیل می‌شود؛ اما بعداً تعدادی اعضا به آن اضافه خواهند شد که باید برای مجمع دعوت شوند و لازمه این دعوت داشتن شرایط عمومی و اختصاصی عضویت در تعاونی است.

سپس اساسنامه به افراد داده می‌شود و پس از تکمیل نهایی در مجمع با حضور دوسوم اعضا به تصویب اساسنامه پرداخته می‌شود. سپس طی انتخابات هیئت‌مدیره و بازرسان تعیین می‌شوند و پس از انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، مدارک به اداره کل تحویل می‌شود. از آنجا مجوز صدور آگهی تأسیس، توسط اداره تعاون به ثبت شرکت‌ها داده شده به روزنامه رسمی داده می‌شود. پس از این مراحل تعاونی به صورت رسمی و شناخته شده می‌تواند فعالیت خود را آغاز کند.

ما نباید مدام به دنبال دولت باشیم. باید خودمان دست به کار شویم و راهکارهای جدیدی مثل تعاونی ایجاد کنیم. باید معلمان تفکر تعاون را در دانش‌آموزان خود تقویت کنند و به این ترتیب بر آینده آن‌ها تأثیر بگذارند. ما باید به جایی برسیم که تعاون به عنوان یک راهکار اساسی اقتصادی، برای توسعه کشور مطرح شود و در جایگاه واقعی خودش قرار گیرد.

در اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و در ماده یک بخش تعاون اهدافی متعالی برای تعاون در نظر گرفته شده است که کمک به تحقق عدالت اجتماعی، تأمین اشتغال برای همه، قرار دادن وسایل کار در اختیار تمامی کسانی که قدرت کار دارند اما سرمایه کافی ندارند و ... از آن جمله است. همه این‌ها اهداف ایده‌آلی هستند که باید به آن پایبند باشیم و با تفکر درست در این راه قدم برداریم.

تعاون، به لحاظ تاریخی در جامعه ما ریشه دارد و به راحتی قابل ترویج است.

پرسش یکی از حاضران: من سال گذشته تجربه تأسیس تعاونی در مدرسه را داشتم که اسفند ماه ثبت شد و اردیبهشت ماه آغاز به کار کرد. هر دانش‌آموز دارای یک سهم شد و بیش از ۳۰ نفر از همکاران و بیش از ۲۰ دانش‌آموز عضو تعاونی شدند. یکی از کارهای ما پس از آمدن شماره ثبت این بود که دانش‌آموزان هنرستانی بسته‌های عیدانه‌ای شامل سفره‌های عیدی و ... را تهیه کردند. نه به صورت کاملاً رسمی اما براساس آورده‌ها یک کار جمعی صورت گرفت که دانش‌آموزان سود بردند.

الآن وارد کارگاه تولیدی که مخصوص لباس فرم مدارس است شدیم. ما شرایط عضویت دانش‌آموزان را با نامه اولیای آن‌ها فراهم کردیم و شرط عضویت را محصل بودن دانستیم. اکنون بسیاری از فارغ‌التحصیلان ما علاقه‌مند به حضور در تعاونی هستند اما این امکان برایشان فراهم نیست. در این خصوص چه باید کرد؟

مدرس کارگاه: خب شما باید سازمان‌دهی کنید و برای فارغ‌التحصیلان قدیمی تعاونی جدیدی تشکیل دهید یا مجمع عمومی فوق‌العاده بگذارید و قیدهای محدودکننده را در اساسنامه حذف کنید. فقط تا دانش‌آموزان از مدرسه فاصله نگرفته‌اند و هنوز روحیه مشارکت و دانش‌آموزی در آن‌ها هست بچه‌ها را جذب کنید. نهضت تعاون و روح تعاون باید جریان داشته باشد و نباید فاصله زمانی ایجاد شود.

پرسش یکی از حاضران: به نظر من شما باید برای فارغ‌التحصیلان خود که وارد به کار هستند تشکل جدیدی را به وجود آورند و آن‌ها اعضا را خودشان تعیین کنند.

پرسشی یکی از حاضران: اگر مسأله حقوقی پیش آید نقش دانش آموز چیست؟

سهام متعلق به والدین است و پس از رسیدن به سن قانونی یعنی ۱۸ سالگی به دانش آموز واگذار می شود؛ مثل افتتاح حساب برای افراد کم سن و سال. پول عضویت دانش آموز را والدین می دهند و تا زمانی که به سن قانونی نرسد نمی تواند در آن پول دخل و تصرف کند؛ مسئولیت قانونی نیز ندارد و اگر ادعا یا مطالبه ای باشد باید اولیای دانش آموز وارد عمل شوند. در تعاونی های دیگر فرد دارای اهلیت تمتع و استیفا است و لوازم حقوقی کامل را دارد و می تواند تمام حقوق مالی را ایفا کند.

در پایان باید بگویم من به کار تعاونی اعتقاد دارم و باید به نقطه مطلوب برسیم. خیلی خوشحالم که به عنوان یک عضو کوچک سهم ناچیزی در تقویت باور شما به تعاونی داشته باشم.

نکته: برای شرکت در این کارگاه کتاب « قانون و مقررات بخش تعاون » - انتشارات آموزش تعاون - پیشنهاد شده است.